



مولانا عبدالکبیر فرخاری

\* \* \*



استاد غتی "پارینه"

**محترمه استاد "پارینه" ی عزیز!**

دست شما را به احترام خواهری می بوسم و به عظمت و بزرگواری ادبی تان سر تعظیم فرود می آورم. روز هشت مارچ، روز جهانی زن را به پیشگاه شما تبریک عرض میدارم.

شعر های آبدار شما را که چون مروارید و آژه ها را به تار کشیده اید خواندم و از هنر شما در ادبیات که روان، سلیس و ساده است بهره ها بردم و اصول نگارش شما را در اشعار خویش بعد از این زیبایی می بخشم.

خاطرات تان رخشنده و جاودان باشد. امید است برای نشر اشعار خویش از سایت های آشنا استفاده برید تا ما با عمق نظر بخوانیم و طرز تفکر و آشنایی تان با جملات را به کار بیاگیریم.

یک بار دیگر روز فرخنده و خجسته زن را به شما شاد باش میگویم و سعادت جاودانی برایتان آرزو می نمایم.

مولانا کبیر فرخاری کانادا

## ابنای سمنگان

شرح حالت به من دل شده در مان گردد  
کفر زلفت گره پای مسلمان گردد  
چاک صد پاره ی دل را نکند تار رفو  
کسوت آبله قراضه ی سوحان گردد  
افتد ار دامن کارت به کف اهل شرف  
شوره زارت وطنم قطعه ی رضوان گردد  
ای جهان از چه شدی بسته به چنگال ددان  
یوسف در دل شب لقمه ی گرگان گردد  
خبث باطن نرود از دل سجاده نشین  
نشود پاک اگر شسته به قرآن گردد  
گر به سر پنجه ی تدبیر شود باز گره  
نیست شایسته که تا باز به دندان گردد

درس "پارینه" دهند روشنی بر چشم زمان  
نامش آینه‌ی ابنای سمنگان گردد  
میرود قدر تو بر تارک این چرخ کبود  
هر یتیمی اگر از لطف تو خندان گردد  
توده در رنج و عذاب است در این شام سیاه  
صاحب قدرت اگر آمر دزدان گردد  
گرچه "فرخاری" پیامد ببرد شور به دهر  
مشکل است گفت که دد بچه‌ی انسان گردد

مولانا کبیر "فرخاری"  
پنج مارچ، ونکوور کانادا

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)